

«ملت‌های مسلمان عمق استراتژیک نظام جمهوری اسلامی‌اند، چرا تبلیغات عجیب و غریب آمریکایی و انگلیسی سعی می‌کنند بین ملت‌های مسلمان با ملت ایران جدایی بیندازند؟ ... چون می‌دانند آن‌ها عمق راهبردی و عمق استراتژیک جمهوری اسلامی محسوب می‌شوند.» (۸۷/۰۹/۲۴)

مقاله پژوهشی: بررسی تأثیر رهنامه‌ها و راهبردهای آمریکا در ایجاد پایگاه‌های ثابت در منطقه پیرامونی ج.ا.ایران (جنوب غرب آسیا)

رحیم مسیبی ملک خیل^۱، علی اصغر بیک بیلندی^۲، وحید کریمی^۳ و مسعود محمدی الستی^۴

تاریخ دریافت: ۹۹/۰۶/۰۵

تاریخ پذیرش: ۹۹/۰۹/۰۸

چکیده

برخی از منافع آمریکا به میزان زیادی به جنوب غرب آسیا و مسائل ناشی از آن مرتبط است. رهنامه‌ها و راهبردهای این کشور، آشکارا بر اساس وضعیت جنوب غرب آسیا و در رأس آن ج.ا.ایران تدوین می‌گردد. روند تحولات اخیر در جهان و منطقه پیرامونی ج.ا.ایران، مؤید تبیین رهنامه‌ها و راهبردهای نظامی آمریکا ج.ا.ایران با ساختارمند کردن ماهیت تهدیدهای خود در قالب ایجاد یا تقویت پایگاه‌های ثابت می‌باشد. حضور نیروهای آمریکایی در مجاورت مرزهای ج.ا.ایران همواره تهدیدی جدی برای کشور تلقی شده و تبعات ناشی از ایجاد پایگاه‌های ثابت در منطقه، به‌طورمستقیم تهدیدی علیه امنیت ملی ج.ا.ایران خواهد بود. بنابراین هدف از انجام این تحقیق، شناخت «تأثیر رهنامه‌ها و راهبردهای آمریکا در ایجاد پایگاه‌های ثابت آمریکا در منطقه پیرامونی ج.ا.ایران» بوده که سؤال تحقیق متناظر باهدف طراحی گردید. نوع تحقیق، کاربردی- توسعه‌ای و روش تحقیق، توصیفی تحلیلی با رویکرد آمیخته می‌باشد و برای گردآوری داده‌ها از هر دو روش میدانی و کتابخانه‌ای استفاده شد و تجزیه و تحلیل داده‌های کیفی، تحلیل توصیفی و داده‌های کمی مورد تحلیل استنباطی قرار گرفت. برای پاسخ به سؤال تحقیق با لحاظ نمودن ویژگی‌های جامعه آماری موردنظر، تعداد ۴۲ نفر از صاحب‌نظران این حوزه به‌صورت هدفمند تعیین شده و پرسشنامه تحقیق در بین آنان توزیع گردید. بیشترین میزان «تأثیر نقش رهنامه‌ها و راهبردهای آمریکا در ایجاد پایگاه‌های ثابت در منطقه پیرامونی ج.ا.ایران» مربوط به «راهبرد امنیت انرژی» با مقدار ۴/۶۶۷ و به وزن خیلی زیاد و کمترین آن مربوط به «پاسخ انعطاف‌پذیر کندی» با مقدار ۲/۴۲۹ و به وزن متوسط می‌باشد.

واژگان کلیدی: راهبرد، رهنامه، راهبردهای آمریکا، پایگاه‌های ثابت، ج.ا.ایران.

۱. دانشجوی دکتری رشته سیاست دفاعی دانشگاه و پژوهشگاه عالی دفاع ملی و تحقیقات راهبردی (نویسنده مسئول) - mosayebi53@gmail.com
۲. عضو هیئت علمی و استادیار دافوس آجا - ali.biek@yahoo.com
۳. دانشجوی دکتری رشته سیاست دفاعی دانشگاه و پژوهشگاه عالی دفاع ملی و تحقیقات راهبردی - karimi.v053@gmail.com
۴. دانشجوی دکتری رشته سیاست دفاعی دانشگاه و پژوهشگاه عالی دفاع ملی و تحقیقات راهبردی - masood.alasti@yahoo.com

مقدمه

پس از پایان جنگ جهانی دوم و فروپاشی استعمار انگلیس، منطقه آسیای جنوب غربی برای سال‌های متمادی صحنهٔ منازعهٔ بلوک شرق و غرب برای کسب امتیاز بیشتر بوده و در نخستین روزهای جنگ سرد، آمریکا و هم‌پیمانان غربی آن به شدت تلاش کردند تا با استقرار پایگاه‌های هوایی و دریایی، دسترسی کامل به شمال آفریقا و آسیای جنوب غربی و در داخل و اطراف آب‌های کشورهای اصلی منطقه، مدیترانه، دریای سرخ و شمال غربی اقیانوس هند را برقرار و حفظ نمایند. این عمل، آشکارا راهبرد مهار سرزمین حاشیه به‌شمار می‌آمد که علیه توسعه‌طلبی شوروی سابق سمت‌گیری شده بود و برای تأمین امنیت ملی آمریکا انجام می‌شد. با استناد به این راهبرد، پایگاه‌های مزبور در اطراف چین، اتحاد جماهیر شوروی و سرزمین اصلی اوراسیا ایجاد شد. به این ترتیب میان دو ابرقدرت برای دسترسی به پایگاه‌هایی در سراسر منطقه آسیای جنوب غربی رقابت سختی در گرفت.

اتصال سه قاره آسیا، اروپا و آفریقا در منطقه منحصربه‌فرد آسیای جنوب غربی صورت گرفته که خاستگاه ادیان ابراهیمی در این منطقه است. ۷۰٪ از ذخایر انرژی‌های فسیلی جهان در این منطقه قرار دارد و آسیای جنوب غربی تنها منطقه‌ای در جهان است که دسترسی به آب‌های آزاد و گرم از عمق خشکی امکان‌پذیر می‌باشد. منطقه آسیای جنوب غربی تا به امروز شاهد جنگ‌های متعددی بوده که عامل اصلی آن به ویژگی‌های این منطقه و راهبردهای ویژه ابرقدرت‌ها در مورد منطقه آسیای جنوب غربی برمی‌گردد. ابرقدرت‌ها همواره تلاش نموده‌اند که با نفوذ در قلمرو زمامداران دولت‌های محور آسیای جنوب غربی و استقرار پایگاه‌های نظامی خود در مناطق حساس آن، موفقیت راهبردهای خود را تضمین نمایند.

۱. کلیات

۱-۱. بیان مسئله

تا اوایل دههٔ ۱۹۷۰، در اوج رقابت آمریکا و شوروی در آسیای جنوب غربی، هر دو طرف دارای تأسیسات و پایگاه‌های هوایی، دریایی و فنی در سراسر منطقه بودند. آمریکا قبل از پیروزی انقلاب اسلامی، ایران را جزیرهٔ ثابت خود می‌دانست و در واقع، ایران ستون

اصولی سیاست‌های آمریکا در خلیج فارس بود. وقوع انقلاب اسلامی در ایران که منجر به سقوط ناگهانی رژیم پهلوی و متعاقب آن تأسیس نظام جمهوری اسلامی در اواخر سال ۱۳۵۷ شد، منطقه آسیای جنوب غربی و به تبع آن راهبرد ابرقدرت‌ها در منطقه را به شدت دچار تحول نمود و تأثیر منفی زیادی بر راهبرد آمریکا در منطقه خلیج فارس و آسیای جنوب غربی بر جای گذاشت. رهنامه نیکسون بدون ایران بی‌معنا بود و راهبردهای آمریکا در منطقه با از دست رفتن ایران آسیب‌پذیر شده بود. هرچند که آمریکا پایگاه‌های دیگری در کشورهای عربستان، ترکیه و بحرین، امارات و پاکستان داشت، اما تنها از دست دادن پایگاه ایران نبود که ضربه بزرگی برای آمریکا به‌شمار می‌رفت، بلکه چرخه تحولات سیاسی در ایران پس از انقلاب بر ضد آمریکا شکل گرفته بود. با نگاهی گذرا به تاریخ انقلاب اسلامی، به راحتی می‌توان به این نتیجه رسید مقابله با ج.ا.ایران به دلیل ماهیت، هدف‌ها، سیاست‌ها و عملکردهای داخلی و خارجی آن از همان ابتدای شکل‌گیری نظام، با مخالفت و ضدیت آمریکا روبه‌رو گردید. بنابراین آمریکا برای مهار و واپایش (کنترل) ج.ا.ایران با ایجاد پایگاه‌هایی، در محیط پیرامونی ج.ا.ایران «دیوار آتش» تشکیل داد. با توجه به مطالب یادشده، دغدغه پژوهشگران این تحقیق شناخت «اثرهای ناشی از رهنامه‌ها و راهبردهای آمریکا در ایجاد پایگاه‌های ثابت در منطقه پیرامونی ج.ا.ایران» بوده است.

۲-۱. اهمیت و ضرورت تحقیق

در خصوص اهمیت انجام این تحقیق موارد زیر مورد تأکید است:

(۱) در صورت انجام چنین تحقیقاتی، دلایل استقرار، زمینه‌ها و ملاحظه‌های راهبردی و نظامی استقرار پایگاه‌ها، ماهیت و هدف‌های ایجاد پایگاه‌های ثابت و آثار و پیامدهای ناشی از آن مشخص خواهد شد.

(۲) می‌تواند به‌عنوان هشدار برای نیروهای مسلح ج.ا.ایران به شمار رفته تا با هوشیاری بیشتر تحرکات دشمن را زیر نظر قرار دهند.

در خصوص ضرورت انجام این تحقیق موارد زیر مورد تأکید است:

(۱) در صورت انجام نشدن چنین تحقیقاتی، به احتمال زیاد، تأثیر رهنامه‌ها و راهبردها در روند شکل‌گیری پایگاه‌ها و تهدیدهای ساختارمندشده به‌صورتی علمی و کاربردی شناسایی نشده و عدم شناسایی به اتخاذ راهکار نامناسب در مواجهه با دشمن خواهد انجامید.

(۲) به احتمال زیاد غافلگیری راهبردی را برای نظام ج.ا.ایران به دنبال خواهد داشت.

۳-۱. پیشینه تحقیق

برابر بررسی‌های به‌عمل آمده از سوی محققین، تحقیقی که ارتباط مستقیمی با عنوان این مقاله داشته باشد، انجام نشده است، اما چند تحقیق که تا اندازه‌ای با موضوع این مقاله ارتباط داشته در زیر آمده است:

(۱) «همتی و درویشی» (۱۳۹۵) در مقاله‌ای با عنوان «چشم‌انداز راهبرد آمریکا در برابر جمهوری اسلامی ایران» تلاش نموده‌اند ضمن شناسایی و تبیین روندهای مسلط بر سیاست آمریکا نسبت به ایران در چند دهه گذشته، از منظر آینده‌پژوهانه سناریوهای مختلف و محتمل نسبت به ایران را در دهه آینده بررسی نمایند. محققین رویکردهای احتمالی آینده آمریکا در قبال ج.ا.ایران را در چهار گزینه احتمالی زیر طراحی و شناسایی نمودند:

سناریوی اول: براندازی ج.ا.ایران از طریق اقدام نظامی (براندازی از بیرون)؛

سناریوی دوم: تغییر رژیم ج.ا.ایران (براندازی از درون)؛

سناریوی سوم: تغییر رفتار ج.ا.ایران (رقابت و همکاری محدود)؛

سناریوی چهارم: تفاهم کامل سیاسی با ج.ا.ایران (همکاری و اتحاد راهبردی).

محققین در پایان چنین نتیجه‌گیری می‌کنند که با توجه به ابعاد چهارگانه سیاسی، اقتصادی، نظامی و فرهنگی اجتماعی و سیاست‌های اعلانی و اعمالی آمریکا از زمان وقوع انقلاب اسلامی تاکنون، رویکرد آمریکا نسبت به ایران در دهه آینده به سمت سناریوی رقابت و همکاری محدود در برخی زمینه‌های ویژه گرایش دارد. انتظار می‌رود آمریکا به

کاربرد هوشمندانه قدرت در مورد ایران ادامه دهد؛ یعنی در عین استفاده از ابزارهای سخت قدرت، از ابزار نرم نیز برای تعامل با دولت ایران ادامه دهد. پیامدهای پیش‌بینی‌ناپذیر اقدام نظامی علیه ایران، دامنه زمانی طولانی مدت تحقق براندازی درونی و وجود موانع جدی در شکل‌گیری ائتلاف و همکاری راهبردی بین دو کشور، عللی هستند که نشان می‌دهند به احتمال فراوان در آینده، آمریکا سناریوهای اقدام نظامی علیه ایران، اتحاد با ایران و براندازی از درون را در پیش خواهد گرفت و بیشتر بر سناریوی رقابت همراه با همکاری‌های محدود در برخی از حوزه‌ها گرایش خواهد داشت. (همتی و درویشی، ۱۳۹۵)

(۲) «اسلامی و جهانیان» (۱۳۹۹) در مقاله‌ای با عنوان «بررسی مقایسه‌ای استراتژی‌های امنیت ملی آمریکا در قرن بیست‌ویکم» تلاش نموده‌اند راهبردهای امنیت ملی آمریکا را مورد بررسی قرار دهند. محققین در پایان چنین نتیجه‌گیری می‌کنند که راهبردهای امنیت ملی آمریکا، از پیوستگی قابل ملاحظه‌ای به‌ویژه در زمینه هدف‌های کلی سیاست خارجی برخوردار بوده‌اند، البته تعاریف مسئله اصلی (تهدیدها و چالش‌ها) پس از جنگ سرد تغییر می‌کنند تا گسترش رهبری آمریکا را در محیط متحول امنیت جهانی ترویج کنند؛ هدفی که توسط هر یک از رؤسای جمهور این کشور، هرکدام به روش خود، تفسیر و دنبال شده است. درباره رویکردهای سیاست خارجی، روشن است که غیرمعمول‌ترین بخش راهبردهای امنیت ملی، پذیرش و اجرای گسترده جنگ پیش‌دستانه، بازتفسیر قریب‌الوقوع بودن تهدید و ارتباط آن با یکجانبه‌گرایی به‌عنوان رویکرد جامع سیاست خارجی آمریکا بوده است. (اسلامی و جهانیان، ۱۳۹۹)

(۳) «گلدانی» (۱۳۹۸) در مقاله‌ای با عنوان «تبیین الگوی رفتار بهینه ج.ا.ایران در رویارویی با آمریکا» تلاش نموده تا رفتار بهینه ج.ا.ایران را در قبال آمریکا مورد بررسی قرار داده و الگویی برای این رفتار ارائه نماید. محقق چنین نتیجه می‌گیرد که هر کدام از دولت‌ها که بتواند طرف مقابل را وادار به واکنش در بازی که خود انتخاب کرده‌اند نماید، درکنار اینکه توانسته‌اند از هزینه‌های سنگین جنگ مستقیم نظامی بگریزد، منافع زیادی را در فرایند چانه‌زنی کسب نموده است. هر یک از دولت‌ها سعی می‌کنند ضمن اینکه برای به

دست آوردن منفعت احتمالی خطرگریز (تصمیم با ضمانت اجرایی بالا یا واریانس پیاده‌سازی پایین) عمل کنند، این تفکر را به طرف مقابل القا می‌کند که در صورت تقابل مستقیم یا لزوم پرداخت هزینه، خطرپذیر (آماده انجام هر عمل پرهزینه و به‌ظاهر غیرعقلایی) خواهند بود. (گلدانی، ۱۳۹۸)

۴-۱. سؤال تحقیق

رهنامه‌ها و راهبردهای آمریکا به چه میزان در ایجاد پایگاه‌های ثابت آن کشور در منطقه مؤثر بوده است؟

۵-۱. هدف تحقیق

شناسایی و تعیین میزان تأثیر رهنامه‌ها و راهبردهای آمریکا در ایجاد پایگاه‌های ثابت در منطقه پیرامونی ج.ا.ایران.

۶-۱. روش تحقیق

پژوهشگران با استفاده از روش توصیفی - تحلیلی و با رویکرد آمیخته (کمی - کیفی) به اجرای تحقیق حاضر پرداخته‌اند. نوع تحقیق موردی - زمینه‌ای^۱ می‌باشد و برای گردآوری داده‌ها از هر دو روش میدانی و کتابخانه‌ای استفاده شد و تجزیه و تحلیل داده‌های کیفی، توصیفی و برای داده‌های کمی از تحلیل استنباطی استفاده شد. همچنین قلمرو تحقیق از نظر مکانی محدود به منطقه جنوب غرب آسیا (منطقه پیرامونی ج.ا.ایران) و از نظر زمانی (از نظر زمان مورد بررسی، محدود به سال‌های پایان جنگ جهانی دوم تاکنون) (با تأکید بر دوره پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی) و از نظر کاربرد، تا پایداری نتیجه تحقیق) و نگاهی به آینده بوده و به لحاظ کاربرد نتایج، تا پایداری نتایج قابل تعمیم بوده و از نظر

موضوعی مبتنی بر علوم دفاعی و راهبردی می‌باشد. ابزار گردآوری داده‌ها در این تحقیق، فیش‌برداری از کتاب‌ها، نشریه‌ها و مقاله‌های علمی، توزیع پرسشنامه و انجام مصاحبه‌های تخصصی بوده است. با توجه به تخصصی بودن موضوع تحقیق، جامعه آماری شامل برخی از فرماندهان نیروهای مسلح می‌باشد که در حوزه‌های اطلاعاتی و امنیتی و سطوح راهبردی دارای تجربه و تخصص بوده و مسئولیت این امور را در ستادهای زیرمجموعه نیروهای مسلح آجا، عهده‌دار بوده، با ویژگی‌های زیر انتخاب شده‌اند:

- (۱) دارای سابقه خدمت در شغل‌های راهبردی و یا در جایگاه سرتیپی باشند؛
- (۲) در زمینه عنوان موردبررسی در این مقاله، دارای آثار علمی و پژوهشی باشند؛
- (۳) دارای مدرک دکتری یا دانشجوی دکتری (در رشته‌های مدیریت راهبردی نظامی، علوم دفاعی راهبردی و مدیریت راهبردی پدافند غیرعامل، دوره مشترک و مرکب دافوس و یا دوره داخلی جنگ دانشگاه امام حسین^(ع) را گذرانده باشند) بوده باشند؛
- (۴) نفرات ترکیبی از سازمان‌های مختلف نیروهای مسلح باشند.

بنابراین با توجه به این ویژگی‌ها، جامعه آماری به صورت هدفمند و فهرستی از ۴۲ نفر صاحب‌نظر در این زمینه انتخاب گردید. از طرفی به علت محدودبودن جامعه آماری، جامعه نمونه نیز براساس روش تمام‌شمار، منطبق با جامعه آماری است. بنابراین جامعه نمونه تحقیق همان ۴۲ نفر می‌باشد. در تحلیل داده‌ها از روش‌های آماری توصیفی مانند جداول فراوانی، محاسبه میانگین و نسبت‌ها استفاده شده و در پایان با استفاده از آزمون مقدار «کای دو»، تعیین سطح معناداری، عمده‌ترین رهنامه‌ها و راهبردهای مؤثر بر ایجاد پایگاه‌های ثابت آمریکا در منطقه تعیین گردید.

همچنین تلاش شده برای تأمین روایی مصاحبه، با افراد مطلع و صاحب‌منصبان و افراد آگاه نسبت به مطالب ارائه شده در موضوع پژوهش مصاحبه انجام پذیرد و از آنجایی که این نظرها با مطالعه منابع در یک راستا قرار گرفتند، روایی مصاحبه به دست آمد. همچنین تلاش شد تا ساختار سؤال‌های مصاحبه به گونه‌ای تنظیم گردد که روایی مصاحبه از پاسخ‌های صاحب‌نظران نیز تأمین گردد و هدف تحقیق تحقق یافته و اطلاعات مرتبط گردآوری شوند.

با توجه به اینکه تعداد خبرگان و نظردهندگان برای این ارزیابی ۴۲ نفر بودند برای روایی بالا، مقدار قابل قبول ضریب بالاتر از ۰/۷ مورد توجه قرار گرفت بنابراین گویه‌هایی که دارای ضریب کمتر از مقدار گفته شده باشند حذف شدند. این به معنی آن است که برای تأیید هر گویه، حداقل ۳۵ نفر از ۴۲ نفر صاحب‌نظر می‌بایستی اثر آن گویه بر رهنامه‌ها و راهبردهای آمریکا در ایجاد پایگاه‌های ثابت آمریکا در منطقه را تأیید نمایند؛ که این امر افزون بر ضریب اطمینان بسیار بالا، دارای منطق علمی نیز می‌باشد.

با بررسی ادبیات تحقیق، اسناد و مدارک و مصاحبه‌ها، رهنامه‌ها و راهبردهای آمریکا در ایجاد پایگاه‌های ثابت آمریکا در منطقه، ۱۴ عامل شناسایی گردید. سپس با برگزاری جلسه خبرگی و تخصصی، پرسشنامه تحقیق تدوین گردید و برای روایی آن، پرسشنامه بین جامعه خبره ۱۲ نفره توزیع گردید و پس از تأیید روایی، برای تعیین وزن عوامل و تعیین وضعیت موجود پرسشنامه بین جامعه آماری توزیع گردید. در پرسشنامه تنظیمی از خبرگان برای تک‌تک گویه‌ها این‌گونه سؤال شد که «به نظر جنابعالی، آیا موارد زیر در ساختارمند شدن تهدیدهای آمریکا علیه ج.ا.ایران با توجه به ایجاد پایگاه‌های ثابت آمریکا در منطقه مورد نظر موثر بوده است؟» سپس در صورت مثبت بودن پاسخ، در ستون بعدی، در قالب «طیف لیکرت» ۵ گزینه‌ای ادامه داده شد که «به نظر جنابعالی این عامل به چه میزان در ایجاد پایگاه‌های ثابت آمریکا در منطقه اثرگذار می‌باشد؟» در کل برابر محاسبه‌های انجام شده، ۱۴ گویه برای رسیدن به پاسخ سؤال‌ها، جایز و روا تشخیص داده شدند.

برای پایایی پرسشنامه نیز از «آلفای کرونباخ» استفاده شده است. با توجه به اینکه مقدار ضریب آلفای کرونباخ برای ۱۴ عامل استخراجی در این تحقیق ۰/۹۱ به دست آمده و بیشتر از ۰/۷۵ است بنابراین گویه‌های پرسشنامه مورد استفاده از قابلیت اطمینان لازم برای ادامه تحقیق برخوردار بوده است. (خلیلی شورینی، ۲۲۱:۱۳۹۱)

۲. ادبیات و مبانی نظری تحقیق

۲-۱. تعریف مفاهیم

- رهنامه: فرهنگ اصطلاحات نظامی وزارت دفاع آمریکا، رهنامه (دکترین) را چنین تعریف می‌کند: «اصول بنیادینی که به‌کارگیری دو یا چند نیرو را در فعالیت‌های هماهنگ به‌منظور دستیابی به به هدفی مشترک، هدایت می‌کند؛ این اصول در سطح فرماندهان، ستاد نیروها و ستاد مشترک مورد توجه است.» (JPI-02, 2016: 71) رهنامه (دکترین) قواعد بنیادینی که هدایت‌کننده عملیات در پشتیبانی از سیاست‌های ملی می‌باشند؛ هرچند که این قواعد معتبر هستند، اما چگونگی استفاده از آنها به قضاوت صحیح نیازمند است. (کالیز، ۴۵:۱۳۹۱)

- راهبرد: نظریه یا مجموعه‌ای از نظریه‌های سنجیده در مورد به‌کارگیری ابزارهای قدرت ملی است که به شکلی هماهنگ و همگرا برای تحقق هدف‌های ملی و چندملیتی مورد استفاده قرار گیرند. (USSCS, 2016:32);(JPI-02, 2016:227)

۲-۲. مبانی و هدف‌های سنتی ایجاد پایگاه‌های نظامی آمریکا

رویارویی جهانی دو بلوک شرق و غرب، بدون تردید اولین و مهم‌ترین انگیزه آمریکا و شوروی برای ایجاد پایگاه در کشورهای اقماری بود. بستن پیمان‌های امنیتی و اتحادیه‌های نظامی به عنصر مهمی از راهبرد ابرقدرت‌ها تبدیل شده بود. در طول دوره جنگ سرد، محورهای زیر مهم‌ترین هدف‌های آمریکا از ایجاد پایگاه در کشورهای دیگر به‌شمار می‌رود:

(۱) ایجاد انصراف در حمله مسلحانه به آمریکا و سایر مناطقی که برای سلامت و رفاه این کشور ضروری است.

(۲) مقابله مؤثر با متجاوز در صورتی که بازدارندگی دچار شکست شود.

(۳) کمک به هم‌پیمانان منتخب (وابسته) در جلوگیری و یا شکست دادن شورش و

قیام.

(۴) تضمین حق عبور بلامنازع ملت‌های آزاد جهان در آب‌ها، راه‌های هوایی بین‌المللی

و فضا (البته برای آمریکا و دولت‌های قدرتمند).

به این ترتیب از رهگذر پیمان‌های «ناتو»، «سنتو»، «سیتو»، «آنزوس» و معاهده‌های امنیتی دوجانبه با کشورهایمانند تایوان، ژاپن و ...، کمربندی نظامی بر گردهاگرد جهان کمونیست به وجود آمد، پیمان‌هایی که افزون‌بر سایر تعهدها و الزام‌ها، امکان استقرار پایگاه‌های نظامی آمریکا در سرزمین دولت‌های میزبان را نیز فراهم می‌آورد.

به‌رحال تکیه فراوان سیاست‌گذاران آمریکایی بر قدرت نظامی و تسلیحاتی که پایگاه‌های نظامی، یکی از بهترین جلوه‌های آن به‌شمار می‌رود، حاصل نظامی شدن سیاست خارجی این دولت پس از جنگ جهانی دوم و ناشی از این امر بود که آنان به‌گونه‌ای عادی مشکلات سیاسی بین‌المللی را بنابه راه‌حل‌های نظامی تعیین کردند. به‌این ترتیب بود که در پایان جنگ سرد، شبکه‌ای با بیش از چهارصد پایگاه نظامی و مأموریت نزدیک به نیم میلیون سرباز و «ناوی»، نمایانگر مسئولیت‌های جهانی آمریکا در به‌اصطلاح سدکردن کمونیسم و دفاع و حفاظت از دنیای آزاد بودند. (گروه مطالعاتی هفتم دفاع ملی، ۲۰۱۳۹۲: ۲۱-۲۰) آمریکا به استثنای خاک خود در پنج قاره جهان در مجموع دارای ۸۵۰ پایگاه می‌باشد که از این تعداد، ۴۰ پایگاه ثابت آن، در کشورهای پیرامونی ج.ا.ایران گسترش یافته است. (عجم، ۲۱:۱۳۹۸)

۲-۳. اهمیت پایگاه‌های نظامی آمریکا

در طول جنگ سرد، آمریکایی‌ها چهار مأموریت را برای پایگاه‌های نظامی در آن سوی آب‌ها در نظر گرفته بودند:

- (۱) پایگاه‌های نظامی منعکس‌کننده قدرت متعارف نظامی در مناطق با اهمیت بودند؛
- (۲) در صورت لزوم، آمادگی یک جنگ اتمی را داشتند؛
- (۳) به‌عنوان یک «سیم ضامن» بودند که واکنش آمریکا به یک حمله را تضمین می‌کردند، (به‌ویژه در کانون‌های بحران مستقل، مانند آلمان و کره جنوبی) به ایفای نقش می‌پرداختند؛
- (۴) به‌عنوان نمادهای قدرت آمریکا فعالیت داشتند.

پس از پایان جنگ سرد، آمریکا در جستجوی مداوم برای توجیهی جدید به منظور گسترش پایگاه‌ها و حضور خود بود که مداخله‌های بشردوستانه تا خلع سلاح عراق را شامل می‌شد. (امامزاده فرد، ۱۳۸۴: ۹۵)

تنها عامل مشترک واقعی در همه پایگاه‌های خارجی آمریکا، امپریالیسم و نظامی‌گری است. تعداد زیادی از نخبگان آمریکا تمایل شدیدی برای سیطره بر سایر مردم دارند؛ چرا که توانایی انجام این کار را دارند. بنابراین، همواره دلایل راهبردی دیگری به منظور محافظت از این پایگاه‌های نظامی جدید و واپایش (کنترل) بر مناطقی که این پایگاه‌ها در آن مستقرند، وجود دارد. آمریکا می‌بایستی مناطق زیر نفوذ خود را با افزایش پایگاه‌ها گسترش دهد. «پنتاگون» برای مراقبت از امپراتوری خویش، باید به‌طور مداوم دلایلی را برای دردست نگه داشتن پایگاه‌ها در بیشترین زمان ممکن (بعد از جنگ‌ها و بحران‌هایی که دلایل وجودی آن‌ها از بین رفته است) به وجود آورد. از سوی دیگر، پایگاه‌های نظامی آمریکا در نقاط مختلف جهان، کانون‌های قدرت سخت‌افزاری و راهبرد امنیت ملی آمریکا و نوک پیکان طراحی و اجرای عملیات شناسایی به‌شمار می‌روند. (فراهانی، ۱۳۸۴: ۴۳۳-۴۳۳)

این پایگاه‌ها به عنوان سفارتخانه‌های نظامی آمریکا به‌شمار می‌آیند و راهبرد امنیت ملی آمریکا نیز از سوی سفرای نظامی با ابزار نظامی سخت‌افزاری، برای تجلی قدرت سخت «در حوزه سیاست عالی» (امنیت و قدرت) تلقی می‌شدند. نمایندگان نظامی آمریکا در این پایگاه‌ها و پادگان‌ها، حوزه امنیت ملی و سیاست خارجی را در تعامل با نیروهای مسلح کشورهای میزبان رقم می‌زدند و برای خود ساختار، جایگاه، نیرو و هم‌پیمان برای ایفای نقش در حوزه سیاست داخلی کشورهای هدف فراهم می‌کردند. (فراهانی، ۱۳۸۴: ۴۳۹-۴۳۳)

۲-۴. رهنامه امنیت ملی آمریکا

۲-۴-۱. رهنامه مونروئه: آمریکا برای آمریکاییان - مهار قاره آمریکا - ۱۸۲۳ میلادی

«جیمز مونروئه» که بین سال‌های ۱۸۱۷-۱۸۲۵ به‌عنوان پنجمین رئیس جمهوری آمریکا بوده است از جمله دیپلمات‌هایی بود که از انقلاب فرانسه حمایت کرده بود. رهنامه مونروئه

که در دوم دسامبر ۱۸۲۳ در پیام سالیانه رئیس‌جمهوری به گنکره اعلام شده بود، به معنی اعلام مخالفت آمریکا با دخالت اروپا بود. دو مولفه اصلی رهنامه مونروئه عبارت بودند از:

(۱) مقابله با مداخله اروپاییان در نیمکره غربی؛

(۲) نفی مداخله در مناقشه‌های اروپایی. (فادری کنگاوری، ۱۳۹۸: ۵۰)

اصول رهنامه سیاسی مونروئه بیانگر اتخاذ راهبرد انزوگرایی از سوی آمریکا برای رفع تهدید ناشی از «اتحاد مقدس» میان کشورهای اروپایی بود. اصول چهارگانه این رهنامه که برای مدت بیش از یک قرن بر سیاست خارجی آمریکا حاکم بود و نقش‌ها و مسئولیت‌های آمریکا در قبال همسایگانش را شکل می‌داد، موجب شد این کشور بتواند به اوضاع داخلی خود سامان داده و با گسترش سرزمین خود در قاره آمریکا به چنان توانایی‌ای دست یابد که دیگر جهت‌گیری انزوطلبانه برای آن بی‌معنا شود. بنابراین هدف‌های موردنظر به بهترین شکل با انزوای آمریکا (نه با دخالت آن) از بقیه جهان تأمین می‌گردید. (کگلی و ویتکف، ۱۳۹۴: ۵۰)

۲-۴-۲. رهنامه ترومن: مهار کمونیسم بین‌الملل از طریق اقتصادی - ۱۹۴۷ میلادی

وجهه «ترومن» پس از ارائه پیشنهادهایی مانند رهنامه وی برای تحدید کمونیسم و کمک به بازسازی اقتصادی کشورهای جنگ‌زده احیا شد، اما ترومن در عین حال با مسائل جدیدی چون جنگ سرد با اتحاد جماهیر شوروی، اجرای پیمان آتلانتیک شمالی (ناتو)، استقرار نیروی سازمان ملل در کره و مشکلات دیگری مانند ثبات اقتصادی آمریکا مواجه بود.

رهنامه ترومن در شرایط پس از جنگ جهانی دوم و آغاز دوران جنگ سرد تدوین شد، در این رهنامه، ابتدا بر حضور و دفاع از کشورهای یونان، ترکیه و ایران در برابر کمونیسم تأکید گردید و سپس در سال ۱۹۴۹ میلادی دفاع از کل اروپا در آن گنجانده شد. بنابراین برای اولین بار مداخله آمریکا از حیات خلوت این کشور به بخش بسیار گسترده‌ای از جهان به‌ویژه اروپای غربی سرایت کرد.

براساس رهنامه ترومن، آمریکا وظیفه حفاظت و دفاع از کشورهای غیرکمونیست جهان را در برابر مداخله‌های خارجی و شورش‌های داخلی عهده‌دار شد و چنانچه تهدیدی

متوجه منافع و مقاصد آمریکا در این مناطق می‌گردید، دیپلماسی پنهان، فعالیت‌های پشت‌پرده و براندازی خاموش به‌عنوان راهبرد اصلی رهنامه ترومن برای مهار و خنثی‌سازی تهدیدها مورد استفاده قرار می‌گرفت. (قادری کنگاوری، ۱۳۹۸: ۵۴)

۲-۴-۳. رهنامه آیزنهاور: مهار کمونیسم از طریق نظامی - ۱۹۵۷ میلادی

«آیزنهاور» که به‌عنوان سی و چهارمین رئیس‌جمهور آمریکا انتخاب شد، حفاظت از آزادی و مردم‌سالاری را هدف عمده سیاست خارجی آمریکا به‌شمار آورد و سیاست «سد نفوذ»^۱ «جرج کنان» را ادامه داد. در تداوم همین سیاست بود که وی در سال ۱۹۵۷ در پاسخ به بحران سوئز، به کشورهای آسیای جنوب غربی که مایل به حفظ استقلال و تمامیت ارضی خود در مقابل نفوذ و تجاوز کمونیسم بودند، وعده کمک‌های اقتصادی و نظامی داد و به این ترتیب سیاست برون‌گرایی آمریکا را که از زمان ترومن به‌طور رسمی مطرح و اجرا شده بود، ادامه داد. در این رهنامه بر روی راهبرد نظامی تلافی همه‌جانبه (انتقام گسترده) که اتکای عمومی آن بر سلاح‌های هسته‌ای بود، بسیار تأکید می‌شد. رهنامه آیزنهاور بر اصول زیر استوار بود:

(۱) مقابله همه‌جانبه با شوروی و کمونیسم؛

(۲) جلوگیری از نفوذ شوروی و محصور ساختن آن در خاک روسیه از راه ایجاد یک

دیوار آهنین، دور این کشور؛

(۳) گسترش نفوذ و سلطه آمریکا در کشورهای همجوار شوروی؛

(۴) استفاده از تبلیغ خطر کمونیسم برای گسترش سلطه آمریکا در جهان.

باتوجه موارد بالا، انگیزه اصلی رهنامه آیزنهاور، گسترش دایره نفوذ و سلطه آمریکا بر

کشورهای جهان، به‌ویژه کشورهای همجوار شوروی با استفاده ابزاری از خطر کمونیسم باعنوان «مقابله با نفوذ شوروی» بود.

نگرانی آیزنهاور از خطر کمونیسم، اشتیاق آمریکا به دستیابی بیشتر به منابع انرژی و گسترش سلطه بر کشورهای جهان سوم سه عامل عمده بودند که آمریکا را به سوی اتخاذ سیاست مداخله مستقیم در ایران علیه نهضت ملی شدن صنعت نفت سوق داد و در عمل آیزنهاور را به سوی پذیرش سیاست انگلیس که براساس مداخله مستقیم در امور داخلی ایران و سرنگونی دولت مصدق تنظیم شده بود، ترغیب نمودند. بنابراین کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ با همکاری آمریکا و انگلیس و تسامح شوروی رخ داد. (واعظی، ۱۳۸۷: ۶۳)

۲-۴-۲. رهنامه کندی: تحدید نفوذ شوروی و مهار جنبش‌های آزادیبخش ملی و چریکی چپ-

۱۹۶۲ میلادی

انعطاف‌پذیری «جان اف. کندی» در برخورد با اتحاد جماهیر شوروی را می‌بایستی در راستای راهبرد هسته‌ای آن کشور مورد توجه قرار داد. وی راهبرد «انتقام‌گیری گسترده» را که در عمل منسوخ گردیده بود، دگرگون نمود و به جای آن «واکنش انعطاف‌پذیر» را که مبتنی بر تخریب زاردخانه‌ها و پایگاه‌های نظامی اتحاد جماهیر شوروی بود، مورد پیگیری قرار داد. با وجود اینکه راهبرد نظامی آمریکا در برخورد با اتحاد جماهیر شوروی دگرگون گردید، اما «کندی» برای حفظ برتری آمریکا در نظام بین‌الملل و بهره‌گیری مطلوب‌تر از فرصت‌ها، اقدام‌هایی را جهت بازسازی ارتش و به‌کارگیری مطلوب‌تر نیروهای متعارف برای درگیر شدن در جنگ‌های محدود به‌کار گرفت. او در صدد بود استیلا (هژمونی) آمریکا را از راه انعطاف‌پذیری دیپلماتیک، سازماندهی مؤثرتر ابزارهای قدرت ملی و اراده شهروندان آمریکایی تأمین نماید.

آمریکا در دوران کندی از به‌کارگیری سیاست‌های تکراری و الگوهای قدیمی برای دستیابی به هدف‌های خود پرهیز کرد و کندی برای هر موضوعی دارای طرح و الگوهای رفتاری جدیدی با توجه به تحولات سیاست بین‌الملل بود، در نتیجه با بهره‌گیری از گروه علمی مجرب در حوزه مشاوره‌های سیاست خارجی، توانست برای هر مسئله و یا برخورد با هر حادثه‌ای، چندین الگوی رفتاری را در روند برخورد با موضوع جایگزین نماید. (قادری

۲-۴-۵. رهنامه نیکسون: تنش‌زدایی با شوروی و انتقال اختیارات اقدام نظامی به ژاندارم‌های

منطقه‌ای - ۱۹۷۳ میلادی

کندی در عین حال که سیاست‌های منسجم‌تری را برای مقابله با گسترش نفوذ شوروی در پیش گرفت، زمینه‌های همزیستی رقابت‌آمیز میان دو ابرقدرت را نیز ایجاد کرد تا «ریچارد نیکسون» به‌عنوان جانشین وی آن را ادامه داده و آن را تقویت نماید. با انتخاب نیکسون به‌عنوان رئیس‌جمهور، محیطی برای همکاری و رقابت به جای محیطی متشنج و اختلاف‌زا شکل گرفت و با مطرح شدن سیاست پیوند، روابط دو ابرقدرت به توسعه روابط سیاسی، اقتصادی و راهبردی وابسته شد. البته تنش‌زدایی به هیچ روی به معنای عقب‌نشینی آمریکا از سیاست سد نفوذ نبود، بلکه برعکس، ادامه آن با مشوق‌های اقتصادی و سیاسی و به امید میانه‌روی از راه امتیازهایی کم‌وبیش متعادل بود و این تنش‌زدایی بخشی از جنگ سرد بود، نه جایگزینی برای آن. (کگلی و ویتکف، ۱۳۹۴: ۹۳)

«نیکسون» پس از یک دوره بسیار کوتاه از زمامداری خود، این نکته که با یک راهبرد می‌توان در شرایط مختلف کار کرد را نپذیرفت و در همین خصوص بیان داشت: «در درجه اول هدف ما حمایت از منافع درازمدت با یک سیاست خارجی مطلوب است؛ منافع ما باید تعهدهایمان را شکل بدهد، نه تعهدها، منافع ما را.»

«رهنامه نیکسون» به‌عنوان الگوی برخورداری آمریکا در حوزه‌هایی به‌شمار می‌رفت که بخشی از منافع حیاتی آن کشور را در بر داشت. به موجب این رهنامه، واحدهای منطقه‌ای از قابلیت بیشتری برای بازسازی ساختار اقتصادی و نظامی خود بهره‌مند می‌گردیدند. این امر را می‌توان بازتاب جنگ ویتنام و نتایج مخدوش‌کننده آن برای امنیت ملی آمریکا در دورانی دانست که اراده ملی آمریکا اسیر مداخله‌گری فزاینده آن کشور در روند دوران جنگ سرد گردید.

«رهنامه نیکسون» هدفی جز جلوگیری از گسترش نفوذ کمونیسم نداشت. اما به جای درپیش گرفتن سیاست تهاجمی از سوی آمریکا، مبتنی بر تأمین و تدارک نیازهای نظامی، اطلاعاتی و اقتصادی متحدین این کشور بود. او به دنبال کاهش تلفات نیروهای آمریکایی بود و در این راستا سقف نیروهای آمریکایی را از پانصد هزار نفر به یکصد هزار نفر در سال

۱۹۷۰ کاهش داد. (قادری کنگاوری، ۱۳۹۸: ۵۹-۵۸)

۲-۴-۶. رهنامه کارتر: تنش‌زدایی با شوروی و متعهد نمودن مجدد آمریکا به دفاع مستقیم از

منطقه‌ها - ۱۹۷۸ میلادی

گسترش تبلیغات ضدآمریکایی در نتیجه درگیری آمریکا با ویتنام از یک‌سو و مشکلات داخلی ناشی از رسوایی «واترگیت» از سوی دیگر، وضعیت خارجی و داخلی آمریکا را به هنگام استعفای «ریچارد نیکسون» بسیار متزلزل نشان می‌داد. بنابراین طبیعی بود که جانشین نیکسون باید سیاستی متفاوت از وی در پیش می‌گرفت و تلاش می‌کرد تا چهره آمریکا را در داخل و خارج ترمیم کند. بر همین اساس «جیمی کارتر» با ارائه رهنامه خود که مبتنی بر دو اصل اجرای سیاست حقوق بشر و مقابله با رژیم‌های تندروی انقلابی و ضداستعماری بود، برای بازسازی چهره آمریکا در دستورکار او قرار گرفت. (کگلی و ویتکف، ۱۳۹۴: ۲۱۵)

رهنامه کارتر دارای سه بعد اساسی بود که عبارتند از:

- (۱) تعهد آشکار و بی‌پرده آمریکا در جهت واکنش نظامی به هر شکل لازم در مقابل هر نوع تلاش شوروی برای حضور دیپلماتیک در مناطق جهان؛
- (۲) تأکید بر حقوق بشر، فضای باز سیاسی، آزادی‌های مدنی و فشار بر حکومت‌های کمونیستی به‌ویژه در اروپای شرقی برای رعایت آنها؛
- (۳) ایجاد فضای باز سیاسی و ترویج فعالیت‌های اصلاح‌طلبانه با هدف حفظ حکومت‌های دیکتاتوری متحد آمریکا مانند رژیم شاه و جلوگیری از اضمحلال و فروپاشی آنها. (واعظی، ۱۳۸۷: ۷۵)

۲-۴-۷. رهنامه ریگان: مهار شوروی از طریق اقتصاد و فناوری تسلیحاتی و برخورد مستقیم با

حکومت‌های دست‌چپی در جهان سوم - ۱۹۸۰ میلادی

«رونالد ریگان» در شرایطی به‌عنوان چهلمین رئیس‌جمهور آمریکا انتخاب شد که سیاست‌های اعلامی پیشینانش در داخل و خارج با شکست مواجه شده بود و نه‌تنها سیاست سد نفوذ اعمال شده از سوی آمریکا و هم‌پیمانانش باعث جلوگیری از رشد کمونیسم نشده بود، بلکه با پیشرفت‌های نظامی شوروی، در عمل موازنه راهبردی به ضرر آمریکا در حال رقم خوردن بود.

بُعد دیگر رهنامه ریگان استفاده از «سیاست مهار^۱» علیه کشورهای مستقل به‌ویژه ج.ا.ایران بود. خط‌مشی مهار در اصل با سیاست محدودسازی همراه بوده و مقدمه‌ای بود برای تحقق هدف‌های اصلی در درازمدت که مبتنی بر نابودسازی یا فروپاشی بود. «سیاست مهار» مبتنی بر اصول مختلفی است که عبارتند از:

- (۱) محدودکردن کشور هدف در ابعاد سیاسی، اقتصادی، امنیتی، منطقه‌ای و بین‌المللی؛
- (۲) واپایش (کنترل) و نظارت مستمر به‌منظور جلوگیری از افزایش قدرت کشور مقابل؛
- (۳) کاهش قدرت تصمیم‌گیری و حق انتخاب در کشور موردنظر؛
- (۴) کاهش قدرت و توان مالی و نظامی و توان راهبردی کشور موردنظر؛
- (۵) منزوی ساختن کشور موردنظر در مقیاس منطقه‌ای و بین‌المللی؛
- (۶) برنامه‌ریزی برای کاستن از موقعیت ژئوپلیتیکی و راهبردی کشور موردنظر؛
- (۷) تحمیل بحران‌های فرسایشی بر حریف؛
- (۸) تخریب چهره کشور موردنظر در افکار عمومی داخلی و بین‌المللی از طریق اعمال جنگ تبلیغاتی و روانی؛
- (۹) حمایت‌های جزیی از رقبا و ممانعت آن کشور از به‌دست آوردن پیروزی و موفقیت‌های راهبردی (حداکثر تا رسیدن به لبه خطوط قرمز و نه بیشتر از آن)؛
- (۱۰) جلوگیری از دستیابی کشور موردنظر به فناوری‌های پیشرفته و فناوری‌های صنعتی و تجهیزات جدید نظامی. (ثقفی عامری، ۱۳۸۹: ۹۷-۹۳)

۲-۴-۸. رهنامه بوش پدر: آمادگی برای وارد شدن همزمان به دو جنگ عمده منطقه‌ای - ۱۹۸۸

میلادی

«جورج بوش» پدر زمانی به‌عنوان چهل‌ویکمین رئیس‌جمهور آمریکا انتخاب شد که نظام بین‌المللی دستخوش تحولات بنیادینی شده بود. پایان جنگ سرد و فروپاشی شوروی، در عمل راهبرد مقابله با کمونیسم را بی‌اثر ساخته و رهنامه‌های مطرح‌شده از سوی پیشینیان

وی را که حول محور مقابله با کمونیسم تنظیم شده بودند، بی‌معنا ساخت. بنابراین ضروری بود رهنامه جدیدی برای تعیین جهت‌گیری سیاسی آمریکا ترسیم شود تا در پرتو آن نقش‌ها و مسئولیت‌های آمریکا در نظام نوین جهانی مشخص شود. (کگلی و وینکف، ۱۳۹۴: ۱۰۰)

پی‌ریزی نظم نوین جهانی براساس رهبری آمریکا، هدف اصلی رهنامه بوش بود که با اثرپذیری از افکار آرمان‌گرایانه «وودرو ویلسون»، این نیت سلطه‌طلبانه را در قالبی مردمسالارانه (دموکراتیک) ارائه کرد. به اعتقاد وی «آمریکا نباید در پی آن باشد که ژاندارم جهان شود. بلکه به دنبال جنگ سرد، در جهانی که ما تنها ابرقدرت باقی‌مانده آن می‌باشیم، این وظیفه آمریکا است که منابع اخلاقی و مادی‌اش را جهت پیشبرد یک «صلح دموکراتیک» به کار بندد. این مسئولیت ماست، این امکان و فرصتی برای ماست که رهبری نماییم». براساس چنین نگرشی بود که وی حق مداخله و توسل به زور توسط آمریکا را در هر کجا که اعضای نظام بین‌الملل، اصول، مقررات و رویه‌ها را نفی نمایند، مجاز شمرده و آمریکا را دارای چنین مسئولیت و تنها ابرقدرت توانا برای ایفای آن تلقی نموده است. (گروه هفتم مطالعات دفاع ملی، ۱۳۹۲: ۱۸۳)

۲-۹. رهنامه کلیتون: جهانی‌سازی جغرافیای اقتصادی-ژئواکونومی - ۱۹۹۳ میلادی

هرچند تأکید بیش از اندازه «جورج بوش» بر مسایل خارجی زمینه را برای نظم نوین جهانی به رهبری آمریکا فراهم ساخت، اما باعث عیب‌جویی منتقدان وی و از جمله «بیل کلیتون»، رقیب دموکرات او شد و در نهایت، نتیجه انتخابات ریاست جمهوری را به ضرر بوش و به نفع کلیتون رقم زد. اغلب صاحب‌نظران بر این باورند که کلیتون به دلیل تأکید بر سیاست داخلی و به‌ویژه به دلیل تأکید بر حل مشکلات اقتصادی به کاخ سفید راه یافت، ولی واقعیت این است که تفکر آرمان‌گرایانه ویلسونی که به تعبیر «هنری کسینجر» بر سیاست‌های رؤسای جمهور آمریکا از «روزولت» تا «جورج بوش» حاکم بود، بر سیاست‌های دولت کلیتون نیز سایه افکند و سیاست خارجی وی را نیز با سنت ویلسونی عجین کرد. برخلاف جورج بوش که پایان جنگ سرد را آغاز نظم نوین جهانی به رهبری آمریکا تلقی کرد و آمریکا را تنها قدرت و یگانه توانای تعقیب چنین سیاستی می‌دید، بیل کلیتون بر این باور بود که پایان جنگ

سرد نه تنها چالش‌های پیش‌روی آزادی، رفاه و امنیت به‌عنوان هدف‌های دیرینه مردم آمریکا را خشی نکرد، بلکه برعکس مشکلات جدیدی برای دستیابی آمریکا به این هدف‌ها را ایجاد کرده است. (گروه هفتم مطالعات دفاع ملی، ۱۳۹۲: ۵۱)

رئیس‌جمهور کلینتون چندین بار تأکید می‌نمود که: «نمی‌توانیم در خارج قوی باشیم مگر اینکه در داخل قوی باشیم. این به معنی کوشش مصممانه‌ای برای تقویت اقتصاد داخلی از طریق سرمایه‌گذاری‌های سازنده در تولید کالاها و خدمات غیرنظامی است.» هدف‌های رهنامه کلینتون عبارت بودند از:

(۱) حفظ و تحکیم ثبات سیاسی در آمریکا؛

(۲) توسعه اقتصادی آمریکا به‌ویژه در راستای کمک به گروه‌های کم‌درآمد آن کشور؛

(۳) بالا بردن درجه رقابتی آمریکا با دیگر قدرت‌های اقتصادی جهان.

تأکید دولت کلینتون بر جلوگیری از هرج و مرج و بحران نشان‌دهنده حساسیت نسبت به این چالش‌هاست که در برخی مواقع جهان بدون مرز ایجاد می‌کند. ولی قبولاندن این مفاهیم در محیطی که دولت-ملت هنوز عامل متفوق باقی‌مانده، دشوار می‌باشد. از این‌روی، ابزار دیرین سیاسی (زور نظامی، اقدام پنهانی، تبلیغات و کمک خارجی) همچنان در پیگیری امنیت ملی به‌کار می‌رود. (کگلی و ویتکف، ۱۳۹۴: ۲۲۱-۲۲۰)

۲-۴-۱۰. رهنامه بوش پسر: جنگ پیشگیرانه - ۲۰۰۱ میلادی

رهنامه امنیت ملی نومحافظه‌کاران دولت «جورج بوش پسر» بر یک مثلث راهبردی بنا شده است که عبارتند از:

(۱) تفوق و برتری کامل؛

(۲) عملیات پیشگیرانه؛

(۳) تغییر رژیم‌ها.

ضلع و بُعد سوم این مثلث راهبردی آشکارا بیان می‌کند که نومحافظه‌کاران علاقه و تحملی برای سیر تکاملی و تدریجی پایان تاریخ فوکویاما ندارند، بلکه می‌خواهند این پایان تاریخ را با زور سرنیزه و با اتکا به قدرت سلاح بر جوامع تحمیل کنند.

تداوم آرمان‌گرایی ویلسونی را در رهنامه سیاسی بوش (پسر) نیز می‌توان شاهد بود؛ با این تفاوت که در نگرش بوش و همکارانش، آرمان ویلسون با استفاده از قوای نظامی قابلیت تحقق بیشتر و بهتری دارد. در واقع، بوش درصدد بود آرمان‌های ویلسون را از راه قوای نظامی تحقق بخشد. به همین دلیل است که از سیاست وی با عنوان «ویلسون‌یسم در چکمه» یاد می‌شود. (گروه مطالعاتی هفتم دفاع ملی، ۱۳۹۲: ۱۸۴)

آنچه به تحقق چنین سیاستی سرعت بخشید، ۱۱ سپتامبر بود. این رخداد موجب ایجاد زمینه مناسب برای نومحافظه‌کاران شد تا رهنامه «اقدام پیشدستانه» را طرح کنند و به مرحله اجرا درآورند. براساس نظر همکاران و مشاوران نومحافظه‌کار بوش، تروریسم، مهم‌ترین خطری است که امنیت آمریکا را تهدید می‌کند و برای جلوگیری از آن بایستی دست به اقدام پیشدستانه زد. براساس رهنامه بوش، چندجانبه‌گرایی موردنظر کلینتون دیگر پاسخگوی مشکلات و تهدیدهای پیش‌روی آمریکا نیست و حتی سیاست بازدارندگی که در دوران جنگ سرد به کار گرفته می‌شد نیز نمی‌تواند تهدیدهای جدید ناشی از تلاش تروریسم و فناوری‌های خطرناک را در همان زمان و مکان از بین ببرد. به این ترتیب رهنامه سیاسی بوش نه تنها با رهنامه‌های سیاسی رؤسای جمهوری آمریکا در دوران جنگ سرد متفاوت است، بلکه با رهنامه سیاسی کلینتون و حتی بوش پدر که در شرایط نظم نوین جهانی به ارائه راهکارهایی برای حفظ امنیت آمریکا مبادرت ورزید نیز تفاوت دارد. (واعظی، ۱۳۹۵: ۱۸)

۲-۵. جمع‌بندی مصاحبه‌های انجام شده

جمع‌بندی رهنامه‌ها و راهبردهای مؤثر آمریکا در ایجاد پایگاه‌های ثابت آمریکا در منطقه پیرامونی ج.ا.ایران از نگاه صاحب‌نظران به شرح جدول شماره (۱) می‌باشد. محققین، در جمع‌بندی مصاحبه‌ها، داده‌های استخراج‌شده‌ای را که آشکارا مطرح شده و نیازی به استنباط ندارند، مورد توجه قرار دادند.

جدول شماره (۱): رهنامه‌ها و راهبردهای مؤثر آمریکا در ایجاد پایگاه‌های ثابت در منطقه پیرامونی ج.ا.ایران از نگاه صاحب‌نظران

ردیف	تأکید صاحب‌نظر بر رهنامه یا راهبرد مؤثر بر ایجاد پایگاه‌های ثابت	مصاحبه شونده
۱	رهنامه مهار کمونیس‌م ترومن	سرتیپ پاسدار محمد کوثری
۲	رهنامه انتقام گسترده آیزنهاور	سرتیپ پاسدار ایوب سلیمانی
۳	رهنامه پاسخ انعطاف‌پذیر کندی	سرتیپ دکتر محمدحسن باقری
۴	رهنامه سیاست منطقه‌ای نیکسون	سرتیپ ۲ پاسدار محسن چیدری
۵	رهنامه حقوق بشر کارتر	سرتیپ ۲ پاسدار محمد تولایی
۶	رهنامه درگیری فعال ریگان	سرتیپ دکتر محمدحسن باقری
۷	رهنامه نظم نوین جهانی بوش پدر	سرتیپ ۲ پاسدار محسن چیدری
۸	رهنامه مهار دوگانه کلینتون	سرلشکر پاسدار دکتر مصطفی ایزدی
۹	رهنامه جنگ پیشگیرانه بوش پسر	سرتیپ پاسدار احمد غلام‌پور
۱۰	راهبرد تأمین امنیت رژیم صهیونیستی	سرلشکر پاسدار دکتر مصطفی ایزدی
۱۱	راهبرد امنیت انرژی	سرتیپ ۲ پاسدار غلامرضا فرزادی
۱۲	راهبرد آسیای جنوب‌غربی بزرگ	سرتیپ ۲ پاسدار محمد تولایی
۱۳	راهبرد مقابله با بنیادگرایی اسلامی	سرتیپ پاسدار ایوب سلیمانی
۱۴	راهبرد مهار و واپایش (کنترل) توسعه ایران در منطقه	سرتیپ ۲ دکتر داوود آقامحمدی

نکته قابل توجه درباره جدول شماره (۱) اینکه، صاحب‌نظران به رهنامه‌ها و راهبردهای یادشده در جدول بالا به‌عنوان رهنامه‌ها و راهبردهای مؤثر در ایجاد پایگاه‌های ثابت آمریکا در منطقه پیرامونی ج.ا.ایران اشاره داشتند و تأکید هرکدام بر رهنامه‌ها و راهبردی ویژه بوده که به‌طور خلاصه آمده است.

۳. یافته‌های تحقیق و تجزیه و تحلیل آنها

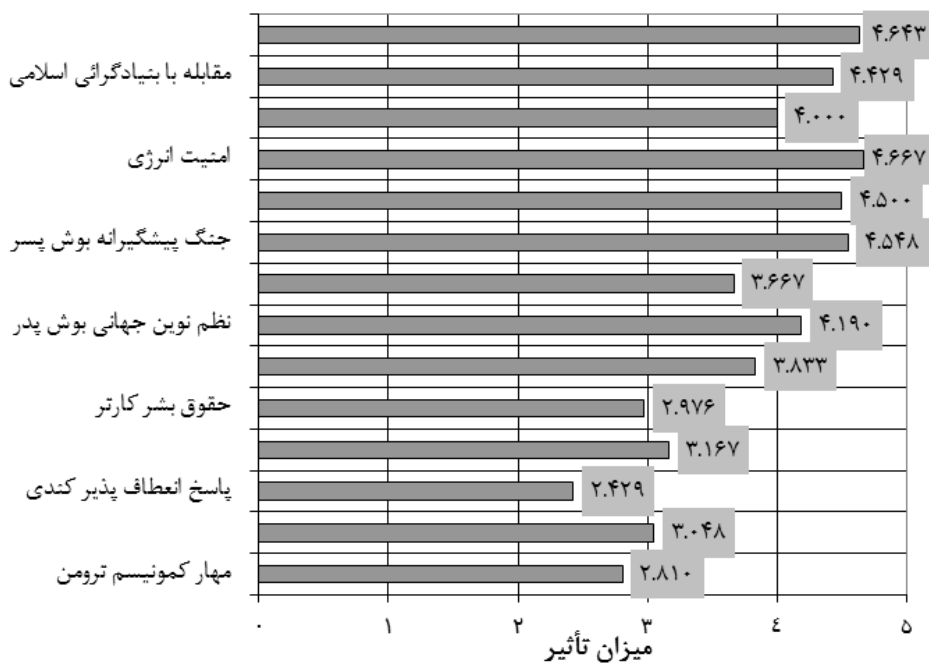
استخراج و استنباط راهبردها و رهنامه‌های این تحقیق با رویکرد توصیفی با تمرکز بر نظر صاحب‌نظران و اسناد و مدارک استخراج شده و بنابراین ۱۴ عامل مؤثر بر رهنامه‌ها و راهبردهای آمریکا در ایجاد پایگاه‌های ثابت در منطقه مشخص گردید که به صورت

پرسشنامه بین اعضای جامعه آماری ۴۲ نفره منتخب توزیع که نتیجه آن به شرح جدول شماره (۲) آمده است.

جدول شماره (۲): تجزیه و تحلیل تأثیر رهنامه‌ها و راهبردهای آمریکا بر ایجاد پایگاه‌های ثابت در منطقه پیرامونی

ج.۱. ایران

میانگین	وزن	خیلی زیاد (۵)	زیاد (۴)	متوسط (۳)	کم (۲)	خیلی کم (۱)	میزان تأثیر نقش رهنامه‌ها و راهبرد آمریکا در ایجاد پایگاه‌های ثابت آمریکا در منطقه پیرامونی ج.۱. ایران
۲/۸۱۰	متوسط	۵	۸	۱۰	۱۲	۷	رهنامه «مهار کمونیس‌م ترومن» تا چه اندازه در ایجاد پایگاه‌های ثابت آمریکا در منطقه مؤثر بوده است؟
۳/۰۴۸	زیاد	۵	۹	۱۶	۷	۵	رهنامه «انتقام گسترده ایزنهاور» تا چه اندازه در ایجاد پایگاه‌های ثابت آمریکا در منطقه مؤثر بوده است؟
۲/۴۲۹	متوسط	۲	۶	۱۱	۱۲	۱۱	رهنامه «پاسخ انعطاف‌پذیر کندی» تا چه اندازه در ایجاد پایگاه‌های ثابت آمریکا در منطقه مؤثر بوده است؟
۳/۱۶۷	زیاد	۶	۱۴	۸	۹	۵	رهنامه «سیاست منطقه‌ای نیکسون» تا چه اندازه در ایجاد پایگاه‌های ثابت آمریکا در منطقه مؤثر بوده است؟
۲/۹۷۶	متوسط	۳	۱۰	۱۵	۱۱	۳	رهنامه «حقوق بشر کارتر» تا چه اندازه در ایجاد پایگاه‌های ثابت آمریکا در منطقه مؤثر بوده است؟
۳/۸۳۳	زیاد	۱۱	۲۱	۴	۴	۲	رهنامه «درگیری فعال ریگان» تا چه اندازه در ایجاد پایگاه‌های ثابت آمریکا در منطقه مؤثر بوده است؟
۴/۱۹۰	خیلی زیاد	۲۲	۱۱	۶	۱	۲	رهنامه «نظم نوین جهانی بوش پدر» تا چه اندازه در ایجاد پایگاه‌های ثابت آمریکا در منطقه مؤثر بوده است؟
۳/۶۶۷	زیاد	۱۰	۱۶	۱۱	۲	۳	رهنامه «مهار دوگانه کلبنتون» تا چه اندازه در ایجاد پایگاه‌های ثابت آمریکا در منطقه مؤثر بوده است؟
۴/۵۴۸	خیلی زیاد	۲۹	۹	۳	۰	۱	رهنامه «جنگ پیشگیرانه بوش پسر» تا چه اندازه در ایجاد پایگاه‌های ثابت آمریکا در منطقه مؤثر بوده است؟
۴/۵۰۰	خیلی زیاد	۲۶	۱۱	۱	۰	۰	راهبرد «تأمین امنیت رژیم صهیونیستی» تا چه اندازه در ایجاد پایگاه‌های ثابت آمریکا در منطقه مؤثر بوده است؟
۴/۶۶۷	خیلی زیاد	۳۱	۸	۳	۰	۰	راهبرد «امنیت انرژی» تا چه اندازه در ایجاد پایگاه‌های ثابت آمریکا در منطقه مؤثر بوده است؟
۴/۰۰۰	خیلی زیاد	۱۸	۱۱	۸	۵	۰	راهبرد «آسیای جنوب‌غربی بزرگ» تا چه اندازه در ایجاد پایگاه‌های ثابت آمریکا در منطقه مؤثر بوده است؟
۴/۴۲۹	خیلی زیاد	۲۷	۸	۵	۲	۰	راهبرد «مقابله با بنیادگرایی اسلامی» تا چه اندازه در ایجاد پایگاه‌های ثابت آمریکا در منطقه مؤثر بوده است؟
۴/۶۴۳	خیلی زیاد	۳۲	۶	۳	۱	۰	راهبرد «مهار و واپایش (کنترل) توسعه ایران در منطقه» تا چه اندازه در ایجاد پایگاه‌های ثابت آمریکا در منطقه مؤثر بوده است؟
۰/۱۴۶	واریانس	۲۲۷	۱۴۸	۱۰۸	۶۶	۳۹	جمع فراوانی
		۳۸٪	۲۵٪	۱۸٪	۱۱٪	۶٪	درصد فراوانی
۳/۷۷۹	زیاد						معدل نهایی



نمودار شماره (۱): میانگین پاسخ‌های مربوط به میزان تأثیر نقش رهنماها و راهبردهای آمریکا در ایجاد پایگاه‌های ثابت آمریکا در منطقه پیرامونی ج.ا.ایران

یافته‌های جدول و نمودار بالا بیانگر این مطلب است که بیشترین میزان تأثیر «نقش رهنماها و راهبردهای آمریکا در ایجاد پایگاه‌های ثابت آمریکا در منطقه پیرامونی ج.ا.ایران» مربوط به «راهبرد امنیت انرژی» با مقدار $4/667$ و به وزن خیلی زیاد و کمترین آن مربوط به «پاسخ انعطاف‌پذیر کندی» با مقدار $2/429$ و به وزن متوسط می‌باشد. معدل نهایی شاخص‌های این مؤلفه برابر با $3/779$ و به وزن زیاد محاسبه شده و واریانس آن $0/146$ می‌باشد که این وزن را در محدوده زیاد حفظ می‌کند. با تحلیل استنباطی هدف نیز مشخص شد که آماره آزمون برابر با $185/588435$ و آماره‌ی بحرانی برابر با $13/2767$ می‌باشد. بنابراین، با سطح اطمینان 99% می‌توان ادعا نمود که رهنماها و راهبردهای آمریکا در ایجاد پایگاه‌های ثابت در منطقه پیرامونی ج.ا.ایران مؤثر بوده است.

۴. نتیجه گیری

۴-۱. جمع بندی

سرمداران آمریکا در صدند رهبری بیش از ۲۰۰ کشور جهان را بر عهده گیرند تا منافع بیشتری را برای کشور خود تأمین نمایند که این منطق با هیچ یک از موازین حقوق بین الملل و معیارهای انسانی و اخلاقی سازگار نبوده و از عقلانیت منفعت گرایانه و عرفی گرا (سکولار) منبعث می گردد. آمریکا در پنجاه سال گذشته، در هر ۲/۵ سال، یکبار حمله نظامی در یکی از کشورهای جهان داشته و هم اکنون صدها هزار نیروی آمریکایی در تمام نقاط جهان به ویژه در منطقه راهبردی آسیای جنوب غربی مستقر هستند که خود بیانگر رویکرد نظامی گری برای تحمیل دامنه منافع خود به کل جهان است.

تجزیه و تحلیل داده‌های تحقیق نشان می دهد که میزان قابل قبولی از همپوشانی در پاسخ به سؤالهای تحقیق در خصوص تأثیر رهنامه‌ها و راهبردهای آمریکا در ایجاد پایگاه‌های ثابت در منطقه پیرامونی ج.ا.ایران وجود دارد؛ به عبارتی دیگر، پاسخ‌های جامعه آماری و مصاحبه شونده‌گان و منابع تحقیق به عنوان ابزار گردآوری اطلاعات، باهم رابطه نزدیک داشته و به میزان بالایی روایی و اعتبار ابزارهای گفته شده را تأیید می نمایند و نشانگر این مطلب است که رهنامه‌ها و راهبردهای قید شده در این تحقیق، در ایجاد پایگاه‌های ثابت آمریکا در منطقه مؤثر بوده است.

۴-۲. پیشنهادها

۴-۲-۱. پیشنهادهای پژوهشی

(۱) دانشکده امنیت ملی دانشگاه عالی دفاع ملی، اقدام‌های لازم نسبت به انجام پژوهشی در قالب رساله انفرادی و یا مطالعات گروهی دانشجویی، درمورد تهدیدهای الکترومغناطیس و فضای سایبر آمریکا که به طور مستقیم یا غیرمستقیم بر امنیت ملی ج.ا.ایران اثر می گذارند، به منظور شناسایی و مقابله با آن را در دستور کار خود قرار دهد.

- (۲) پژوهشکده دکتربین دانشگاه عالی دفاع ملی، نسبت به تعریف پروژه تحقیقاتی در مورد تأثیر استقرار پایگاه‌های ثابت آمریکا در منطقه پیرامونی ج.ا.ایران، به تفکیک کشورهای مورد نظر به منظور ارتقای توان بازدارندگی ج.ا.ایران، اقدام نماید.
- (۳) دانشکده دفاع دانشگاه عالی دفاع ملی، نسبت به انجام پژوهشی در قالب رساله دکتری دانشجویی، در مورد تأثیر توان دریایی آمریکا بر امنیت ملی ج.ا.ایران (با تمرکز بر امنیت انرژی آمریکا) به منظور ارتقای توان رزم نیروی دریایی اقدام نماید.
- (۴) پژوهشکده امنیت ملی دانشگاه عالی دفاع ملی، پروژه‌ای تعریف نماید تا از طریق آن، تأثیر پایگاه‌های ثابت آمریکا در منطقه پیرامونی و غیرپیرامونی ج.ا.ایران که به طور مستقیم و یا غیرمستقیم بر امنیت ج.ا.ایران اثرگذار می‌باشند، مورد بررسی قرار گیرد.

۴-۲-۲. پیشنهادهای اجرایی

- (۱) یکی از دلایل اصلی ایجاد پایگاه‌های ثابت آمریکا در منطقه، امنیت انرژی این کشور می‌باشد، بنابراین پیشنهاد می‌گردد ستاد کل نیروهای مسلح با ایجاد مشوق‌های لازم و بهره‌گیری از نخبگان لشکری و کشوری نسبت به تدوین سناریوهایی با عنوان «ناامن‌سازی راهبرد امنیت انرژی آمریکا در منطقه» به منظور دستیابی به هدف‌های سیاست بازدارندگی برای ج.ا.ایران، اقدام تا در زمان لزوم مورد بهره‌برداری قرار گیرد.
- (۲) معاونت‌های اطلاعات در سطح نیروهای مسلح تحرکات و اقدام‌های پایگاه‌های پیرامونی را مورد واکاوی و تجزیه و تحلیل مستمر قرار داده و با بررسی محیط داخلی و خارجی، نسبت به مشخص نمودن نقاط قوت و ضعف و فرصت‌ها و تهدیدهای پیش‌رو، به منظور مقابله با سناریوهای تحرک‌های احتمالی آمریکا از طریق آینده‌پژوهی، اقدام نمایند.

فهرست منابع

الف. منابع فارسی

۱. اسلامی، سعید و جهانیان، شهاب (۱۳۹۹)، بررسی مقایسه‌ای استراتژی‌های امنیت ملی آمریکا در قرن بیست‌ویکم، *فصلنامه مطالعات راهبردی*، سال بیست‌وسوم، شماره اول، شماره مسلسل ۸۷.
۲. امامزاده‌فرد، پرویز، (۱۳۸۴)، *دکترین امنیت ملی آمریکا: گذشته، حال و چشم‌انداز آینده*، تهران، موسسه ابرار معاصر تهران.
۳. ثقفی عامری، ناصر، (۱۳۸۹)، *ایران و تحولات ژئوپلیتیک منطقه*، تهران: مجمع تشخیص مصلحت نظام، مرکز تحقیقات استراتژیک.
۴. خلیلی شورینی، سیاوش، (۱۳۹۱)، *روش‌های پژوهش آمیخته (با تأکید بر بومی‌سازی)*، چاپ دوم، تهران: یادواره کتاب.
۵. عجم، محمد (۱۳۹۸)، *آشنایی با پایگاه‌های نظامی آمریکا*، تهران: مؤسسه همشهری.
۶. فراهانی، احمد، (۱۳۸۴)، *جایگاه جغرافیای نظامی در راهبرد امنیت ملی ایالات متحده آمریکا*، تهران: مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات ابرار معاصر.
۷. قادری کنگاوری، روح‌الله، (۱۳۹۸)، *کالبدشکافی ساختار سیاسی ایالات متحده آمریکا*، تهران: دانشگاه جامع امام حسین (ع).
۸. کالینز، جان ام. (۱۳۹۱)، *استراتژی بزرگ (اصول و رویه‌ها)*، ترجمه کورش بایندر، تهران: انتشارات دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه، چاپ ششم.
۹. کگلی، چارلز دلیو و ویتکف، اوجین آر، (۱۳۹۴)، *سیاست خارجی آمریکا (الگو و روند)*، ترجمه اصغر دستمالچی، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه، چاپ چهارم.
۱۰. گروه مطالعاتی هفتم دفاع ملی (۱۳۹۲)، *بررسی ساختارمندشدن تهدیدات آمریکا علیه ج.ا.ایران با توجه به ایجاد پایگاه‌های ثابت در منطقه*، تهران: دانشگاه عالی دفاع ملی، دانشکده دفاع ملی.
۱۱. گلدانی، مهدی (۱۳۹۸)، *تبیین الگوی رفتار بهینه ج.ا.ایران در رویارویی با آمریکا، فصلنامه علمی مطالعات بین‌رشته‌ای دانش راهبردی*، شماره ۳۷.
۱۲. نوروزی، محمدتقی، (۱۳۹۱)، *رهنامه دفاعی امنیتی*، تهران: انتشارات بنیاد قرآن و عترت.
۱۳. واعظی، حسن، (۱۳۸۷)، *تروریسم، ریشه‌یابی و اهداف آمریکا از لشگرکشی به جهان اسلام*، تهران: انتشارات سروش.
۱۴. واعظی، محمود، (۱۳۹۵)، *استراتژی آمریکا در قبال جهان اسلام*، تهران: پژوهشکده تحقیقات استراتژیک.
۱۵. همتی، زهره و درویشی، فرهاد (۱۳۹۵)، *چشم‌انداز راهبرد آمریکا در برابر جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه مطالعات راهبردی*، سال نوزدهم، شماره اول، شماره مسلسل ۷۱.
۱۶. مصاحبه حضوری با سرتیپ دوم دکتر داوود آقامحمدی.

۱۷. مصاحبه حضوری با سرلشکر پاسدار دکتر مصطفی ایزدی.
۱۸. مصاحبه حضوری با سرتیپ دکتر محمدحسن باقری.
۱۹. مصاحبه حضوری با سرتیپ دوم پاسدار محمد تولایی.
۲۰. مصاحبه حضوری با سرتیپ دوم پاسدار محسن چیدری.
۲۱. مصاحبه حضوری با سرتیپ پاسدار ایوب سلیمانی.
۲۲. مصاحبه حضوری با سرتیپ پاسدار احمد غلام پور.
۲۳. مصاحبه حضوری با سرتیپ دوم پاسدار دکتر غلامرضا فرزادی.
۲۴. مصاحبه حضوری با سرتیپ پاسدار محمد کوثری.

ب. منابع انگلیسی

1. Joint publication 1- 02, Department of Defense, Dictionary of Military and Associated terms, (15 February 2016).
2. United States Southern Command Strategy, (2016).

